

Phenomenological Approach to the Challenges of 12th Grade Students to take Universities Entrance Exam in the Crisis of Coronavirus Outbreak

Mehdi Mohammadi^{1*}, Fahimeh Keshavarzi², Reza Naseri Jahromi³, Parisa Maaref⁴, Fatemeh Mirghafari⁵, Rahil Naseri Jahromi⁶, Faezeh Roosta⁷

1. Associate Professor, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

3. Ph.D. of Curriculum Development, Shiraz University, Shiraz, Iran

4. M.A. of Urban Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

5. Ph.D. Student of Educational Administration, Shiraz University, Shiraz, Iran

6. M.A. of General Psychology, Firouz Abad Branch, Islamic Azad University, Firouz Abad, Iran

7. B.S. Student in Family Counselling, Higher Education Institute of Fatemiyeh, Shiraz, Iran

(Received: May 28, 2020; Accepted: May 29, 2021)

Abstract

The outbreak of Corona virus has led to the closure of schools since February 2019, so the 12th grade students who were preparing to take the entrance exam were forced to make more efforts. The main purpose of the present study was to understand the lived experience of 12th grade students to prepare for the university entrance exam in the coronavirus outbreak crisis, which was implemented using phenomenological methods. The method of data collection was to use a semi-structured interview. Based on this, with the approach of purposeful sampling and standard method, 12th grade students were selected and finally 14 people were interviewed based on theoretical saturation. Interview analysis was performed using a cleavage model and thematic analysis method. After extracting and categorizing the topic, in 2 main themes and 8 sub-themes including educational challenges (including four sub-themes; use of counselors, difference in curriculum content with the materials provided in the training network, reducing competition and reducing learning effectiveness) and Individuals challenges (including four sub-topics; motivation, increased study costs, decentralization, and increased study time) were classified. Considering the issues mentioned by the 12th grade students, the special attention of the education system administrators to Universities entrance exam of 1399 is necessary.

Keywords: Coronavirus, High school, Lived experiences, Students, Universities entrance exam.

* Corresponding Author, Email: mmohammadi48@sShirazu.ac.ir

رویکرد پدیدارشناسانه به تجارب دانش آموزان پایه دوازدهم از آمادگی شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها ویژه بحران کرونا

مهدی محمدی^{۱*}، فهیمه کشاورزی^۲، رضا ناصری جهرمی^۳، پریسا معارف^۴، فاطمه میرغفاری^۵، راحیل ناصری جهرمی^۶، فائزه روستا^۷

۱. دانشیار، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲. استادیار، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۳. دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۴. کارشناس ارشد مدیریت شهری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران
۵. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۶. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران
۷. دانشجوی کارشناسی مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز، شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸)

چکیده

دریافت تجربیات دسته اول یا تجربه زیسته تنها از طریق مصاحبه با افرادی صورت می‌گیرد که خود این تجربه را داشته‌اند. با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس از بهمن‌ماه ۱۳۹۸، دانش‌آموزان پایه دوازدهم برای شرکت در آزمون سراسری ناگزیر از تلاش بیشتری شده‌اند. هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، فهم تجربه زیسته دانش‌آموزان پایه دوازدهم برای آمادگی شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها در بحران کرونا بوده است که با استفاده از روش پدیدارشناسی اجرا شده است. روش گردآوری اطلاعات، استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختمند بوده است. بر این اساس، با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش معیار، دانش‌آموزان پایه دوازدهم، انتخاب و بر اساس اشباع نظری در نهایت، ۱۴ نفر مصاحبه شده‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها، با استفاده از الگوی کلایزی و روش تحلیل مضمون انجام شده است. پس از استخراج و دسته‌بندی موضوعی، در دو مضمون اصلی و هشت مضمون فرعی شامل چالش‌های آموزشی (مشمول بر چهار مضمون فرعی استفاده از مشاوران درسی، تفاوت محتوای درسی با مطالب ارائه شده در شبکه آموزش، کاهش رقابت و کاهش اثربخشی یادگیری) و چالش‌های فردی (مشمول بر چهار مضمون فرعی بی‌انگیزگی، افزایش هزینه تحصیل، عدم تمرکز و افزایش زمان مطالعه) طبقه‌بندی شده‌اند. بحران کرونا موجب شکل‌گیری چالش‌ها و بروز نیازهای متفاوتی در دانش‌آموزان متقاضی شرکت در آزمون سراسری شده که باید مورد توجه و تحقق برنامه‌ریزان، معلمان و والدین قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آزمون سراسری، تجارب زیسته، دانش‌آموزان، دوره متوسطه، ویروس کرونا.

مقدمه

دغدغه دانش‌آموزان برای پذیرفته‌شدن در دانشگاه و اینکه در کدام دانشگاه و چه رشته‌ای قبول شوند به یک قاعده تغییرناپذیر برای فارغ‌التحصیلان دبیرستانی تبدیل شده که تنها رهاوردش استرس و دلهره‌هایی است که دوران نوجوانی دانش‌آموز را همراه با فضایی پرتنش رقم می‌زند. عسکری (۱۳۹۸) نتیجه گرفته است که آموزش مدیریت استرس به شیوه شناختی رفتاری بر پیشرفت تحصیلی، عملکرد کنکور و اضطراب امتحان دانش‌آموزان داوطلب در آزمون سراسری تأثیر دارد.

نتایج پژوهش اولادل و لانگ لانگ^۱ (۲۰۱۹) نشان داده دانشجویان دانشگاه‌های چین، آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های چین را بسیار پرتنش و استرس‌زا می‌دانستند و این موضوع نه تنها دلیل اصلی عدم موفقیت در آزمون است بلکه منجر به افزایش بیماری‌های روانی در دانشجویان شده است. از نظر تئو و ادا^۲ (۲۰۱۷) دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان نیاز دارند تا در معرض واقعیت‌های زندگی دانشگاهی قرار گیرند و برای این منظور باید از سال اول برنامه‌ریزی لازم صورت پذیرد. سیراک^۳ (۲۰۱۶) در پژوهش خود سه موضوع اضطراب، انتظارات و مسئولیت‌های خانواده و آینده‌نگری را از دغدغه‌های دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه عنوان کرده است. وقتی از شرکت‌کنندگان خواسته شد که درباره آزمون ورودی دانشگاه فکر کنند، اظهار داشتند که ترس، ناامیدی، نگرانی، درماندگی و وحشت را تجربه کرده‌اند. به‌زعم ملس و فنتا^۴ (۲۰۰۹) در اتیوپی، دانش‌آموزان دختر هنگام ورود به دانشگاه با چالش‌های بسیاری مواجهند. یولدیریم، ارجن و مونیر^۵ (۲۰۰۷) نتیجه گرفته‌اند که میزان بالای علائم افسردگی گزارش شده در دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان، نشان‌دهنده افزایش استرس ناشی از آزمون ورودی دانشگاه، انتظارات اجتماعی، نگرانی در خصوص موفقیت در آینده، عدم اطمینان از امنیت دانشگاه و عوامل شخصیتی، خانوادگی و جمعیتی است.

-
1. Oladele & Longlong
 2. Thuo & Edda
 3. Cirak
 4. Melese & Fenta
 5. Yildirim, Ergene & Munir

با اعلام رسمی شیوع ویروس کرونا در ایران و آغاز تعطیلی مدارس، معلمان بر اساس رسالتی که داشته و همواره در تلاش بوده‌اند تا ارتباطشان با دانش‌آموزان قطع نشود، به ارائه آموزش‌های برخط^۱ پرداخته و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی^۲، فرایند آموزش را ادامه داده‌اند. یک دوره آموزشی برخط، در هر زمان و مکان، بدون ملاقات مرئی و بدون حضور در کلاس درس به آموزش می‌پردازد. چنین امری مدیون رشد بی‌بدیل فناوری اطلاعات و ارتباطات است. فراگیران می‌توانند به راحتی و با استفاده از وب در سمینارها، وبینارها و کلاس‌های برخط در هر جای دنیا حضور یابند و محدودیتی در ارتباطات از راه دور نداشته باشند (لوبو^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). به‌زعم یانگ^۴ (۲۰۲۰) دانش‌آموزان با آموزش‌های برخط تعامل و ارتباط چندانی برقرار نکرده، و به حضور در کلاس‌های حضوری علاقه بیشتری دارند. اگرچه آزادی عمل و انعطاف‌پذیری در آموزش‌های برخط را دوست داشته؛ اما اگر حق انتخاب داشتند، کلاس‌های حضوری را بیشتر ترجیح می‌دادند. این نوع آموزش، با محوریت شبکه به‌عنوان ابزاری نیرومند در ارتقای کیفیت و اثربخشی آموزش بوده به‌گونه‌ای که دیگر نیازی به حضور فیزیکی در کلاس‌های درس نمی‌باشد (دلشاد و همکاران، ۱۳۹۵).

شبکه‌های اجتماعی به لحاظ عمومیت‌یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ از هر نوع کنترل توسط مراجع قدرت، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده‌اند و زمینه‌های تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده‌اند (معمار، عدلی‌پور و خاکسار، ۱۳۹۱). این شبکه‌ها بسیار منعطف بوده، امکانات وسیع با دسترسی ساده را در اختیار کاربران قرار می‌دهند و قادرند تمام نیازمندی‌های مرتبط با پیاده‌سازی و ایجاد محیط‌های یادگیری را فراهم آورند (گروسک، بران و تیرو، ۲۰۱۱).

از سوی دیگر، صداوسیما نیز در راستای انجام رسالت خود، پا به عرصه آموزش گذاشته و با

-
1. Online education
 2. Social networks
 3. Lobo
 4. Yang
 5. Grosseck, Bran & Tiru

راه‌اندازی «مدرسه تلویزیونی» در تکمیل آموزش‌های ارائه‌شده به دانش‌آموزان کمک کرده است. بحران کرونا، شرکت در آزمون‌های کمکی که توسط مؤسسات آموزشی نیز برگزار می‌شود، تحت‌الشعاع قرار داده و ناگزیر از برگزاری به‌صورت برخط شده است. تمامی این اقدامات به تداوم آموزش دانش‌آموزان کمک شایانی کرده است؛ اما به دلیل عدم آمادگی قبلی برای پوشش همه آموزش‌های موجود به‌صورت مجازی و جایگزین‌سازی با آموزش‌های چهره‌به‌چهره، طبیعتاً چالش‌ها و تجارب متفاوتی را برای دانش‌آموزان سال آخر که به‌طور معمول به‌صورت حضوری آموزش‌های خود را دریافت می‌کردند، در پی داشته است. عدم حضور در کلاس‌های تقویتی و آمادگی خود دلیلی بر این مدعی است. همچنین نوپایی این تجربه، ضرورت احصاء و رفع نواقص موجود را دوبار کرده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجارب دانش‌آموزان پایه دوازدهم از چالش‌های آمادگی برای شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها در بحران شیوع ویروس کرونا تعریف شده است. امید است نتایج به ارتقا و بهبود زیرساخت فعلی آموزش مجازی و به‌تصمیم‌سازی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متولیان امر خطیر تعلیم و تربیت کمک کند. بر این اساس سؤال محوری پژوهش این است: «تجربه زیسته دانش‌آموزان پایه دوازدهم از چالش‌های آمادگی برای شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها در بحران شیوع ویروس کرونا چیست؟»

روش‌شناسی پژوهش

برای فهم تجارب دانش‌آموزان پایه دوازدهم از آمادگی شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها ویژه بحران کرونا، از طرح کیفی استفاده شد. با توجه به این که بحران کرونا پدیده نوظهور بوده و نیازمند کشف چالش‌ها، تجارب و پیامدهای پنهان آن است از طرح‌های کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی^۱ و از الگوی هفت‌مرحله‌ای کلایزی^۲ استفاده شده است. این روش شامل هفت مرحله: ۱. خواندن دقیق همه توصیف‌ها و یافته‌های مهم شرکت‌کنندگان؛ ۲. استخراج عبارات‌های مهم و جمله‌های مرتبط با پدیده؛ ۳. مفهوم‌بخشی به جمله‌های مهم استخراج‌شده؛ ۴. مرتب‌سازی

1. Phenomenology

2. Colaizzi

توصیف‌های شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص؛ ۵. تبدیل همه نظرات استنتاج شده به توصیف‌های جامع و کامل؛ ۶. تبدیل توصیف‌های کامل پدیده به یک توصیف واقعی خلاصه و مختصر؛ ۷. معتبرسازی نهایی است.

مشارکت‌کنندگان بالقوه در این پژوهش تمامی دانش‌آموزان پایه دوازدهم دوره متوسطه بودند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از رویکرد هدف‌مند، تکنیک گلوله‌برفی^۱ و روش ملاکی با در نظر گرفتن اشباع نظری داده‌ها^۲ استفاده شد. بدین صورت که در ابتدا با یکی از دانش‌آموزان پایه دوازدهم مصاحبه شد و از وی خواسته شد تا سایر همکلاسی‌های خود یا گروه مجازی که در آن عضویت دارد را معرفی نماید. ملاک انتخاب، تمایل به شرکت در پژوهش و ثبت‌نام در آزمون سراسری سال ۱۳۹۹ بود. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختمند^۳ بود که پس از طراحی سؤالات مصاحبه توسط کمیته پژوهش، به وسیله یک نفر از پژوهشگران در گروه‌های مجازی دانش‌آموزان رشته‌های مختلف درج شد. پاسخ‌های ارائه‌شده به صورت متن یا صوت در قالب یک مجموعه کلمه‌به‌کلمه عیناً پیاده‌سازی و تجمیع شد.

ملاحظات اخلاقی، با ارائه توضیحات لازم در مورد اهمیت و هدف‌های پژوهش، عدم اجبار در پاسخ، عدم دریافت مشخصات دانش‌آموز، محرمانگی و عدم افشای نظرات، اطمینان از حذف فایل‌های صوتی پس از یادداشت، استفاده از نتایج نظرات صرفاً برای ارتقا و بهبود کیفیت آموزش و اطلاع نتایج پژوهش به دانش‌آموزان رعایت شد. برای اطمینان از صحت تفسیر و برداشت پژوهشگران از اظهارات هر شرکت‌کننده، در صورت نیاز، با ایشان تماس گرفته و صحت تفسیرها با نظر وی بررسی و در صورت نیاز تغییرات لازم انجام شد. در نهایت، پس از ۱۴ مصاحبه، اطلاعات اشباع شد.

-
1. Snowball sampling
 2. Theoretical saturation
 3. Semi structural interview

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون^۱ صورت پذیرفت. مضامین شناسایی شده مجدداً در جلسه بحث گروهی متمرکز^۲ با استفاده از شبکه اجتماعی مجازی بررسی شدند تا در نهایت، روی مقولات استخراج شده توافق^۳ شد.

اعتبار داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های تأییدپذیری^۴ از طریق خودبازبینی پژوهشگران و اعتمادپذیری^۵ با هدایت دقیق جریان جمع‌آوری اطلاعات و همسوسازی پژوهشگران^۶ تعیین شد. علاوه بر پژوهشگران، متن مصاحبه در اختیار متخصص دیگری قرار داده شد. پس از استخراج دوباره مقولات فرعی از پاسخ‌های ارائه شده و مقایسه با مقولات استخراج شده توسط پژوهشگران، هم‌سویی نگرش پژوهشگران و متخصص موضوعی ایجاد شد. برای تعیین میزان پایایی از آلفای کرپندورف^۷ و بر اساس فرمول $\text{Alpha} = 1 - \frac{D_o}{D_c}$ که در آن Do عدم توافق مشاهده شده و Dc عدم توافق مورد انتظار است. فرایند محاسبه Do و Dc به سطح سنجش متغیر مورد مطالعه بستگی دارد. آلفای کرپندورف برای ۳۸ یادداشت مصاحبه، عددی حدود ۰/۸۳ را درباره مقوله‌های مطلوبیت نشان داد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول تحلیل است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها با روش کدگذاری و رسم شبکه مضامین انجام گردیده و برای تحلیل داده‌ها سه گام اصلی شامل: کدگذاری اولیه (استخراج شواهد)، کدگذاری ثانویه (شناسایی مضامین فرعی)، شناسایی مضامین اصلی (تلفیق و پیوند بین مضامین فرعی) برداشته شده است.

گام اول: کدگذاری اولیه

در نخستین گام تحلیل، کدگذاری اولیه یا استخراج شواهد از مصاحبه‌های پیاده‌سازی شده انجام و در نهایت، ۴۶ کد اولیه شناسایی شد. نمونه‌ای از شواهد در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Thematic analysis
2. Focus group discussion
3. Consensus
4. Credibility
5. Dependability
6. Investigator triangulation
7. Keripendorf

جدول ۱. نمونه‌ای از شواهد استخراج‌شده

شماره مصاحبه	متن مصاحبه	شناسایی شواهد
۷	... به ما که همیشه می‌گن ما آینده‌سازان کشور هستیم؛ ولی هیچ تلاشی واسه ما همیشه مخصوصاً الان که کرونا اومده و ما حتی نمی‌تونیم درس بخونیم. من اصلاً انگیزه درس خوندن که ندارم هیچ، انگیزه کنکور دادن هم ندارم و به نظرم بدترین اتفاق ممکن هست که ممکن بود بیوفته واسمون...	بی‌انگیزگی
۵	... از حق نگذریم بعضی معلمان تلاش می‌کنن؛ اما برخی از معلمان حتی جواب سئوالمون هم نمی‌دن و می‌گن مگه شبکه آموزش رو نگاه نکردی...	اتکا به شبکه آموزش
۱۱	... من نمی‌خواستم مشاور بگیرم؛ چون هزینش بالاست ولی خب وقتی که با مشاورای کم سنی که خودشون با انگیزه و پرشور و نشاط هستن و دوستانم که خیلی با مشاورشون تونستن ارتقا پیداکنن منم دیگه خواستم این کارو کنم، مخصوصاً تو این شرایط کرونا واقعاً مجبور شدم...	استفاده از مشاوران درسی

گام دوم: استخراج مضامین فرعی

به‌منظور استخراج مضامین فرعی از کدهای اولیه، موارد مشابه دسته‌بندی شده و با حذف موارد تکراری، شواهد مرتبط با مضمون شناسایی شد. ۸ مضمون فرعی شناسایی شده و کدهای مصاحبه‌شوندگان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مضامین فرعی استخراج‌شده از پژوهش

شماره کد	مضامین فرعی
۱، ۵، ۱۵، ۲۷، ۴۰، ۴۶	بی‌انگیزگی
۶، ۱۲، ۲۵، ۲۹، ۳۱	افزایش هزینه تحصیل
۲، ۷، ۱۸، ۲۲، ۳۷، ۴۴	استفاده از مشاوران درسی
۹، ۱۴، ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۴۲	تفاوت محتوای درسی با مطالب ارائه‌شده در شبکه آموزش
۳، ۱۰، ۲۳، ۲۴، ۴۱، ۴۵	کاهش رقابت
۸، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۳۲، ۳۹	عدم تمرکز
۴، ۱۹، ۲۶، ۳۵، ۳۸، ۴۳	کاهش اثربخشی یادگیری
۱۱، ۱۳، ۱۷، ۲۸، ۳۵	افزایش زمان مطالعه

در ادامه، برای روشن‌تر شدن اهمیت مضامین شناسایی‌شده، بخش‌هایی از مصاحبه‌ها ارائه شده است:

... من به‌عنوان یک کنکوری اصلاً توان و انگیزه کافی واسه خوندن و تست‌زدن و حتی روی‌پزدازی رو هم ندارم و حتی اگه کنکورم بدم جوابش برام آنچنان اهمیتی نداره. چون اصلاً معلوم نمی‌کنه که ما زنده باشیم یا مرده...

... من خیلی دارم تلاش می‌کنم که درس بخونم و تست بزنم و زمان مطالعه‌ام رو افزایش بدم اما نمی‌تونم چون انگیزه کافی رو ندارم واسه این کار. چون همو نمی‌بینیم و هیچ‌چیزی واسه خوشحالی نداریم روحیمون به شدت افت کرده...

... من چی بگم وقتی مدرسمون اصلاً کلاس آنلاین برگزار نمیکنه فقط یه تایمی می‌دارن واسه امتحان مستمر گرفتن با اینکه می‌دونن چقدر واسه ما مهمه. چند هفته قبل از کرونا مدرسمو عوض کردم که وقت بیشتری رو واسه کنکور داشته باشم؛ ولی الان فهمیدم چقدر اشتباه کردم؛ چون مدرسمون اصلاً براشون مهم نیست که ما یاد می‌گیریم یا نه...

... حدود ۱۰ میلیون تومن هزینه کلاس کنکور دادم و کلی کتاب تست و هزینه مشاور که الان مجبورم هزینه بیشتری رو واسه گرفتن ویدئوها و سی‌دی‌های آموزشی و اینترنت بدم...

... البته من خودم مشکلی با این موضوع ندارم؛ ولی افراد کم‌بضاعتی که می‌شناسم خیلی سختی می‌کشن که حتی گوشی هوشمند ندارن یا لب‌تاب. باید با گوشی پدرشون بیان و پدرشونم بیشتر اوقات سر کار هستن و اصلاً نمی‌تونن خودشون رو وفق بدن...

... پای حرف ما کنکوریا کسی نمی‌شینه. اگه بشینن می‌فهمن ما نیاز به یه نفر داریم که انگیزه بهمون بده، کسی که مارو بکشونه تا کنکور حتی به‌زور!! ما خودمون قبل از این موضوع ناامید و بدون برنامه‌ریزی بودیم الان که با این اوضاع بدتر شدیم و واسه همین مجبوریم کسی باشه که هلمون بده به جلو. واقعاً بزرگ‌ترین عذاب دنیارو ما داریم می‌بینیم. وقتی ظهر شبکه آموزش یه درس رو یه جور دیگه تدریس می‌کنه، عصر کلاس آنلاین مدرسه یه جور دیگه و شب کلاس کنکورمون با ویدئو یا لایو، یه جور دیگه، ما نمی‌تونیم درک کنیم که کدومو یاد بگیریم، کدوم درسته کدوم غلطه!!!...

... همونجوری که می‌دونید ۳۰ درصد از کنکور معدل‌مونه و من به شخصه خودم تمام تمرکزمو گذاشتم روی معدل و کنکور رو فعلاً رها کردم...

... من دچار دوگانگی شدم. یه کم از کنکور، یکم معدل!!! اصلاً نمی‌دونم چکار کنم، ولی خب به نفع‌مونه که معدل رو بالا ببریم؛ چون هم امتحانات نهایی هست و هم ۳۰ درصد تأثیر داره و اگه کم بشه دیگه کاری نمی‌شه کرد. مگه چند سال می‌تونیم کنکور بدیم...

... ما که می‌دونیم خودمون هر کس تراز یا نمره بالایی می‌گیره چون مجازی هست داره تقلب می‌کنه و جزوش همراهش هست و این باعث کم‌شدن حس رقابت بینمون می‌شه. قبل از این موضوع چون می‌دونستیم راهی واسه تقلب نداریم و می‌دیدم که بچه‌ها حتی تو وقت استراحتشون هم درس می‌خونن بیشتر تلاش می‌کردم، اما الان نه فقط با جزوه‌باز امتحان می‌دم و هر کس که بگه نمرش زیاد شده باور نمی‌کنم!!!

... من به شخصه شبکه آموزش رو تماشا نمی‌کنم؛ چون مدرسمون کلاس آنلاین گذاشته و ویدئوهای آموزشی کنکور رو خریداری کردم و وقت شبکه آموزش رو ندارم که بخوام نگاه کنم...
... من چند باری شبکه آموزش رو دیدم و واقعاً متوجه درس نشدم و همون چیزایی که معلم خودمون گفته بودن، رو هم از ذهنم پروند!!! واسه همین نتونستم اصلاً دیگه نگاه کنم و نتیجه گرفتم که اصلاً نگاه نکنم. من اصلاً فرصت همچین کارایی ندارم که برم بشینم درسمو جلو تلویزیون گوش کنم...

... ما باید تو یه محیط خیلی خیلی آروم و بدون سروصدا درس بخونیم و به دلیل کرونا و حضور همه افراد خانواده تو خونه و سروصدا اصلاً تمرکز کافی رو ندارم. من قبل از این موضوع توی پانسیون مطالعاتی درس می‌خوندم چون به محیط آرومی واسه درس خوندن نیاز دارم؛ اما الان اصلاً تو خونه نمی‌تونم درس بخونم...

... من هیچ مشکلی با این موضوع ندارم به جز اینکه بعضی درس‌هارو مثل ریاضی فیزیک و شیمی رو متوجه نمی‌شم حتی با دیدن تمام ویدئوها و گوش‌دادن ویس‌های آموزشی و حل کردن تمرین بازم متوجه نمی‌شم و می‌دونم که این چندتا درس رو واقعاً می‌وفتم یا نمره خیلی کمی می‌گیرم. من ریاضیم ضعیفه و قبل از این موضوع هم به‌زور یاد می‌گرفتم الان که دیگه اصلاً یاد نمی‌گیرم...

... برخلاف همه بدی‌هایی که از این اوضاع می‌گن من اصلاً مشکلی با این موضوع ندارم و خیلی هم خوشحالم چون می‌تونم تو خونه باشم و هم درس مدرسو یاد بگیرم و هم وقت داشته باشم واسه تست‌زدن و کنکور و این خیلی خوبه. قبلاً حدود ۲ الی ۳ ساعت رفت‌وآمد به مدرسه و کلاس کنکور وقت می‌گرفت و خیلی خسته می‌شدم؛ اما الان نه خیلی راحت تو خونه به همه کارام که می‌رسم، درس‌هام رو می‌خونمو بازم وقت اضافه می‌یارم...

گام سوم: شناسایی مضامین اصلی

در این گام، برای شناسایی مضامین اصلی، ترکیب‌های لازم بین مضامین فرعی توأم با معنابخشی به عمل آمد و با این روش مضامین مرتبط با موضوع به شرح جدول ۳ شناسایی شد.

جدول ۳. مضامین اصلی و فرعی استخراج‌شده از پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی
چالش‌های آموزشی	استفاده از مشاوران درسی
	تفاوت محتوای درسی با مطالب ارائه‌شده در شبکه آموزش
	کاهش رقابت
چالش‌های فردی	کاهش اثربخشی یادگیری
	بی‌انگیزگی
	افزایش هزینه تحصیل
	عدم تمرکز
	افزایش زمان مطالعه

در نهایت، بر اساس نتایج، ماتریس مضامین مستخرج از چالش‌های دانش‌آموزان پایه دوازدهم برای آمادگی شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است. در این جدول بیشترین میزان چالش‌های رخ داده از دید دانشجویان به ترتیب، تجربه‌های هم‌زمان: «استفاده از مشاوران درسی» و «افزایش هزینه تحصیل» با ۶ فراوانی؛ «استفاده از مشاوران درسی» و «تفاوت محتوای درسی»، «کاهش اثربخشی یادگیری» و «افزایش هزینه تحصیل»، «کاهش اثربخشی یادگیری» و «عدم تمرکز» با ۵ فراوانی؛ «تفاوت محتوای درسی» و «افزایش زمان مطالعه»، «کاهش رقابت» و «بی‌انگیزگی»، «کاهش اثربخشی یادگیری» و «بی‌انگیزگی» با ۴ فراوانی بوده است.

جدول ۴. ماتریس کدهای مشترک برخی مضامین مستخرج از چالش‌های دانش‌آموزان پایه دوازدهم برای آمادگی شرکت

در آزمون سراسری دانشگاه‌ها

افزایش زمان مطالعه	عدم تمرکز	افزایش هزینه تحصیل	بی‌انگیزگی	کاهش اثربخشی یادگیری	کاهش رقابت	تفاوت محتوای درسی	استفاده از مشاوران درسی	
								استفاده از مشاوران درسی
							۵	تفاوت محتوای درسی
						۰	۰	کاهش رقابت
					۱	۳	۰	کاهش اثربخشی یادگیری
				۴	۴	۳	۰	بی‌انگیزگی
			۰	۵	۰	۲	۶	افزایش هزینه تحصیل
		۲	۳	۵	۰	۱	۰	عدم تمرکز
	۰	۰	۰	۲	۰	۴	۱	افزایش زمان مطالعه

بحث و نتیجه‌گیری

با ظهور بحران‌ها، چالش‌های سنگینی برای برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مجریان و دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزشی خصوصاً آزمون‌های سراسری مقاطع مختلف تحصیلی به دنبال داشته است. باتوجه به هدف پژوهش که بررسی مجموعه چالش‌های دانش‌آموزان پایه دوازدهم جهت آمادگی شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها در بحران شیوع ویروس کرونا بود، یافته‌های مستخرج از مصاحبه در قالب دو مضمون سازمان‌دهنده اصلی چالش‌های آموزشی و چالش‌های فردی استخراج شد.

در بعد چالش‌های آموزشی دانش‌آموزان دغدغه‌های بسیاری داشته که ابعاد مختلفی از این موضوع را پوشش می‌دهد. بر اساس تجارب به‌دست‌آمده در این پژوهش، وجود بحران کرونا موجب شکل‌گیری نیازهای متعددی در دانش‌آموزان شده که باید مورد توجه و تحقق قرار گیرد؛ زیرا در صورت بی‌توجهی، چالش‌های متعدد برای دانش‌آموزان خصوصاً کنکوری‌های پایه دوازدهم به دنبال خواهد داشت.

نیاز به دریافت خدمات مشاوره‌ای متناسب با رشته تحصیلی دانش‌آموزان و موقعیت و وضعیت خانوادگی آنان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و تعداد زیادی از فراگیران به آن اشاره کرده‌اند. به عبارتی، حضور در منزل در مدت‌زمان طولانی و قرارگرفتن در محیط مناسب جهت مطالعه عمیق منابع کنکور سراسری و هم‌زمان توجه به دروس سال جاری و عبور موفق از این مراحل ضرورت دریافت خدمات مشاوره‌ای در جهت تحقق اهداف و مطلوبیت‌های فوق‌الزامی و ضروری می‌کند. در این زمینه، خانواده دانش‌آموزان ناچار هستند هزینه‌های گزافی برای تحقق این اهداف متقبل شوند، تا فرزندان‌شان بتوانند با آرامش نسبی به استمرار مطالعه خویش بپردازند. در ارتباط با چالش‌های آزمون ورودی برای ادامه تحصیلات در دانشگاه، یافته‌های پژوهش هم راستا با پژوهش‌های چاکراواریتی و هجی^۱ (۲۰۱۹)، رودریگو^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، میسکو و جردن^۳ (۲۰۱۲)، آتاس و ایرسن^۴ (۲۰۱۶)، لوبو (۲۰۲۰)، گروسک، بران و تیرو (۲۰۱۱)، شروچ^۵ (۲۰۱۴) و بارووا، جاناتان و تانسا^۶ (۲۰۲۰) است.

همچنین، دانش‌آموزان دچار چالش‌های محتوایی و تناقض بین مطالب شده‌اند که این تناقض بر اساس آنچه معلمان تدریس کرده‌اند، با آنچه در شبکه‌های ملی آموزش داده شده، ایجاد شده است و این تناقض و دوگانگی تنش‌ها و استرس‌هایی برای آنان به دنبال داشته است. برای نمونه «وقتی ظهر شبکه آموزش یه درس رو یه جور دیگه تدریس می‌کنه، عصر کلاس آنلاین مدرسه یه جور دیگه و شب کلاس کنکورمون با ویدئو یا لایو، یه جور دیگه، ما نمی‌تونیم درک کنیم که کدومو یاد بگیریم، کدوم درسته کدوم غلطه!!!...». در حالی که هدف از راه‌اندازی شبکه آموزش، تکمیل و تعمیق مطالب ارائه‌شده در مدارس توسط معلمان است. بر این اساس، باید مجریان آموزش همگی در راستای تحقق یک هدف مشترک باشند، اما هر یک از آن‌ها (معلمان، شبکه آموزش و مربیان کنکور) به روش خویش و بدون توجه به اقتضائات محیطی، نیاز واقعی فراگیران و همچنین، عدم برقراری

1. Chakravarty & Hegde

2. Rodrigo

3. Myskow & Gordon

4. Atas & Erisen

5. Schroch

6. Barua, Junnatun & Tun-Nessa

ارتباط بین مجریان مذکور در جهت تعمیق مطالب مورد نظر با هدف یادگیری اثربخش به کار خویش مشغول و توجه به این مهم مغفول واقع شده است.

همچنین، از نظر دانش‌آموزان چالش کرونا موجب کاهش رقابت آنان به دلیل بی‌انگیزگی‌های پیش‌آمده شده است. در حالی که شاید بزرگ‌ترین دغدغه و دل‌مشغولی اکثر نوجوانان در سال‌های آموزش متوسطه، موفقیت در کنکور و امتحان‌های نهایی باشد. در شرایط عادی و معمول دنیای دانش‌آموزان در این دوره به کتاب‌های درسی و کلاس‌های کنکور و رقابت با هم‌سالان خلاصه می‌شود و رؤیای مشترک آنان پذیرفته‌شدن در دانشگاه موردنظر و پیروزی در این رقابت است. درحالی‌که در دوران کرونا دانش‌آموزان به دلیل استرس، ترس، اضطراب و بی‌انگیزگی به این نتیجه دست یافته‌اند که رقابت فایده‌ای ندارد و نسبت به سال‌های گذشته رقابت جدی و علمی کمتری به چشم می‌خورد. بی‌توجهی به این موارد و عدم برنامه‌ریزی منسجم توسط مسئولان و مجریان برنامه‌های درسی موجب کاهش اثربخشی یادگیری در فراگیران شده است. به عبارتی، بحران کرونا فرایند آموزش و یادگیری برای دانش‌آموزان کنکوری که نیاز به آرامش بیشتر، محیط آرام، تمرکز در محیط و مطالعه عمیق دارند، تا نتیجه مورد انتظار تحقق یابد را معکوس کرده، و دانش‌آموزان معتقدند یادگیری‌ها از اثربخشی لازم برخوردار نمی‌باشند. یافته‌های این بخش از پژوهش هم راستا با نتایج پژوهش‌های جلانا و چرو^۱ (۲۰۱۴)، لانگول-گریس و لانگول-گریس^۲ (۲۰۰۸)، اولادل و لانگ لانگ (۲۰۱۹) و تئو و ادا (۲۰۱۷) است.

علاوه بر چالش‌های آموزشی، بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های صورت‌گرفته بحران کرونا برای دانش‌آموزان پایه دوازدهم چالش‌های فردی نیز در پی داشته است. به عبارتی، دانش‌آموزان در این دوران علاوه بر اضطراب معمول رقابت در این آزمون، بار نگرانی ناشی از شیوع ویروس کرونا هم بر دوششان مضاعف شده، و روزهای سختی می‌گذرانند. در حالی که لازمه تمرکز و فراگیری عمیق درس‌ها برای کنکوری‌ها آرامش خاطر است؛ اما از زمان شیوع این ویروس، آرامش و امنیت خاطر در بین آن‌ها از بین رفته است و در نتیجه، احساس بی‌انگیزگی می‌کنند. برای نمونه: «من به‌عنوان یک کنکوری اصلاً توان و انگیزه کافی واسه خونندن و تست‌زدن و حتی رؤیاپردازی

1. Gelana & Cheru

2. Longwell-Grice

رو هم ندارم و حتی آگه کنکورم بدم جوابش برام آن‌چنان اهمیتی نداره چون اصلاً معلوم نمی‌کنه که ما زنده باشیم یا مرده...».

دانش‌آموزان به‌عنوان مخاطبان اصلی آموزش و پرورش در شرایط یکسانی قرار ندارند، برخی از آنان در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که حتی اینترنتی وجود ندارد یا اینکه خانواده‌ها توانایی تأمین هزینه‌های اینترنت و سایر هزینه‌های مرتبط را ندارند. در حالی که سیاست‌های آموزشی باید به‌گونه‌ای ادامه و استمرار یابد که شرایط برابری برای همگان فراهم ساخته و تمامی فراگیران در شرایط یکسان از آموزش‌های برابر و باکیفیت برخوردار باشند. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با یافته‌های جلانا و چرو (۲۰۱۴)، لانگول-گریس و لانگول-گریس (۲۰۰۸)، اولادل و لانگ لانگ (۲۰۱۹)، تتو و ادا (۲۰۱۷)، چاکراواری و هجی (۲۰۱۹)، رودریگو و همکاران (۲۰۱۸)، میسکو و جردن (۲۰۱۲)، آتاس و ایرسن (۲۰۱۶)، لوبو (۲۰۱۰)، گروسک، بران و تیرو (۲۰۱۱)، شروچ (۲۰۱۴) و بارووا، جاناتان و تانسا (۲۰۲۰) است.

در بعد چالش‌های فردی بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، دانش‌آموزان تمرکز خوبی برای مطالعات عمیق و اثربخش دروس تخصصی ندارند. برخی از آنان معتقدند فضای نامناسب منزل، تعطیلی کتابخانه‌ها، ترس از ابتلا به ویروس کرونا و غیره موجب عدم تمرکز بر روی مطالب درسی شده و دانش‌آموزان به‌شدت مضطرب و با نگرانی دروس خود را مطالعه می‌کنند و این مسئله باعث عدم تمرکز بر دروس و مباحث تخصصی رشته و در نتیجه افزایش زمان مطالعه شده است (چاکراواری و هجی، ۲۰۱۹؛ رودریگو و همکاران، ۲۰۱۸؛ میسکو و جردن، ۲۰۱۲؛ آتاس و ایرسن، ۲۰۱۶).

با توجه به نتایج، باید تهدیدهای پیش‌آمده ناشی از ویروس کرونا را به فرصت‌های مهم آموزشی تبدیل کرد. سیاست‌گذاران جامعه باید به ارائه آموزش کنترل استرس در کنار آموزش‌های آماده‌سازی برای شرکت در آزمون سراسری برای کاهش سطح اضطراب و افسردگی افراد توجه خاص داشته باشند (کاوایانی و همکاران، ۱۳۸۶).

دانش‌آموزان باید با تمرکز بیشتر بر دروس و کنکور سراسری زمینه‌ساز افزایش تمرکز خود بر روی مطالب علمی شده و افکار خود را از هرگونه پیام انحرافی از جمله ابتلا به ویروس کرونا دور

کنند. همچنین، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید در برنامه‌های خود انعطاف‌پذیر بوده و با توجه به بحران‌های پیش رو توجه بیشتری به دانش‌آموزان و نیازهای آنان و مساعدت به آنان داشته باشند. در بعد دیگر دانش‌آموزان نیز با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده نباید فقط به نتیجه، آن هم با افکار منفی و استرس‌زا فکر کنند، بلکه با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده و در نظر گرفتن توانمندی‌های شخصی متناسب با قابلیت‌های وجودی خویش تلاش کرده و تعطیلات ناشی از شیوع ویروس کرونا را برای مطالعه بیشتر و عمیق‌تر دروس فرصت بدانند.

منابع

- دلشاد، محمدحسین، حیدرنیا، علیرضا، حیدرنیا، محمدعلی، نیکنامی، شمس‌الدین، و پورحاجی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی کیفیت رضایت کارکنان تیم سلامت از آموزش مبتنی بر وب به‌منظور مداخله پیشگیرانه بیماری هپاتیت ب: مداخله آموزشی USP. علوم پزشکی، ۲۶(۲)، ۱۰۸-۹۹.
- عسکری، محمد (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مدیریت استرس به شیوه شناختی رفتاری بر اضطراب امتحان، پیشرفت تحصیلی و عملکرد کنکور داوطلبان ورود به دانشگاه. روان‌شناسی تربیتی، ۵۱، ۱۹۴-۱۷۵.
- کاویانی، حسین، پورناصح، مهرانگیز، صیادللو، سعید، و محمدی، محمدرضا (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش کنترل استرس در کاهش اضطراب و افسردگی شرکت‌کنندگان در کلاس کنکور. تازه‌های علوم‌شناختی، ۲، ۶۸-۶۱.
- معمار، ثریا، عدلی‌پور، صمد، و خاکسار، فائزه (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(۴)، ۱۷۶-۱۵۵.
- Atas, S., & Erisen, Y. (2016). Investigating the association between Turkish freshman's multiple intelligence profiles and university entrance exam performance. *European Journal of Education Studies*, 23(3), 156- 169.
- Barua, S., Junnatun, N., & Tun-Nessa, H. (2020). Economic climate, infrastructure and FDI: Global evidence with new dimensions. *Business and Economics*, 16, 31- 48.
- Chakravarty, S., & Hegde, P. (2019). The Joint Entrance exam, overconfident directors and firm performance. *Corporate Finance*, 56, 298-318.
- Cirak, Y. (2016). University entrance exams from the perspective of senior high school students. *Education and Training Studies*, 4(9), 177-185.
- Gelana, G., & Cheru, M. (2014). Teachers', students' and academic support staff views on the effectiveness of female students academic support programmes at Bahir Dar University. *Education and Practice*, 5(10), 37-48.
- Grosbeck, G., Bran, R., & Tiru, L. (2011). Dear teacher, what should I write on my wall? A case study on academic uses of Facebook; *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15,; 1425- 1430
- Lobo, J. L., Del Ser, J., Bifet, A., & Kasabov, N. (2020). Spiking neural networks and online learning: an overview and perspectives. *Neural Networks*, 121, 88-100.
- Longwell-Grice, R., & Longwell-Grice, H. (2008). Testing into: How do retention theories work for first-generation, working-class students? *College Student Retention*, 9(4), 407-420.

- Melese, W., & Fenta, G. (2009). Trend and causes of female students dropout from teacher education institutions of ethiopia: The case of Jimma University. *Ethiopian Journal of Education & Sciences*, 5(1), 1-19.
- Ministry of National Education (2003). Milli egitim sayısal veriler [Statistical Data for National Education] Milli Egitim Basımevi: Ankara
- Myskow, G., & Gordon, K. (2012). Getting interpersonal on a university entrance exam impromptu writing task. *English for Academic Purposes*, 11(2), 90-98.
- Oladele, O. M., & Longlong, H. (2019). students perspective comparison of higher education entrance examination: A tale of two countries; China and Nigeria education system. *Academy of Educational Leadership Journal*, 23(2), 126- 135.
- Rodrigo, A., Penas, A., Miyao, Y., & Kando, N. (2018). Do systems pass university entrance exams? *Information Processing & management*, 54 (4): 564-575.
- Schroch, G. (2014). Farmer strategies for tree crop diversification in the humid tropics: A review. *Agronomy for Sustainable Development*, 34(1), 139-154.
- Stewart, D. M., & Johaneck, M. C. (1996). The Evolution of College Entrance Examinations. Retrieved from http://repository.upenn.edu/gse_pubs/179
- Thuo, M., & Edda, M. (2017). Transition to University life: Insights from High School and University Female Students in Wolaita Zone. *Ethiopia Education and Practice*, 8(4), 45-54.
- Yang, C. (2020). *Exploring the possibilities of online learning experiences*. Doctoral Dissertation, Teachers College: Columbia University.
- Yildirim, I., Ergene, T., & Munir, K. (2007). High rates of depressive symptoms among senior high school students preparing for national university entrance examination in Turkey. *International Journal on School Disaffection*, 4(2), 35-44.